

سخنرانی جاوید رحمان

گزارشگر ویژه وضعیت حقوق بشر در جمهوری اسلامی ایران

و به نمایندگی از کمیته هماهنگی رویه های ویژه شورای حقوق بشر

ژنو - ۲۴ نوامبر ۲۰۲۲

جناب رئیس، هیئت‌های محترم، نمایندگان جامعه مدنی

باعث افتخار من است که امروز در محضر شما هستم و به نمایندگی از کمیته هماهنگی رویه‌های ویژه و خود، این بیانیه را ارائه کنم.

در ۴ آبان، با توجه به وخامت وضعیت حقوق بشر در ایران، ده گزارشگر و سازوکار ویژه شورای حقوق بشر خواستار تشکیل یک جلسه اضطراری شورای حقوق بشر شدند. قبل از هر چیز باید از کشورهای عضو شورای حقوق بشر تشکر کنم، که این لحظه تاریخی را برای مردم ایران فراهم کردند.

آقای رئیس،

در ۲۵ شهریور، ژینا مهسا امینی، یک زن ۲۲ ساله کرد، برای چند تار مویی که از زیر حجابش پیدا بود در بازداشت پلیس گشت ارشاد جان باخت. این رویداد غم انگیز، یک رویداد منفرد نبود، بلکه آخرین نمونه از یک سابقه طولانی مقامات ایرانی در اعمال خشونت شدید علیه زنان بود. این اتفاق تنها یک ماه پس از آن رخ داد که رئیس جمهور رئیسی فرمانی را امضا کرد که مطابق آن دستور اقدامات سرکوبگرانه بیشتر علیه زنان برای عدم رعایت حجاب صادر شد.

مرگ ژینا مهسا خشم ملی را برانگیخت و وجدان جهانیان را تکان داد.

زنان و دختران با پیروی از راه زنان مدافع حقوق بشر شجاعی همچون نسرین ستوده و نرگس محمدی به خیابان‌ها آمدند و خواستار پاسخگویی در برابر مرگ ژینا مهسا و پایان دادن به چندین دهه قوانین، سیاست‌ها و رویه‌های نظام‌مند و فراگیر تبعیض جنسیتی شدند؛ قوانین و سیاست‌ها و رویه‌هایی که به دنبال حذف زنان از حوزه عمومی و کنترل تمامی جنبه‌های زندگی خصوصی آنها بوده‌اند.

در حرکتی بی‌سابقه، پدران، پسران و برادران تحت شعار واحد «زن، زندگی، آزادی» به زنان و دختران پیوستند. با غلبه بر حصارهای ترس، مردم ایران از تمام طیف‌های طبقاتی، جغرافیایی و قومی متحد شده و خواستار زندگی در صلح و کرامت در کشوری شدند که به حاکمیت قانون، حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین احترام گذارد، کشوری که در آن جان آنان، اهمیت دارد. کشوری که شعار دادن، رقصیدن، و نشان دادن مو دیگر منجر به شلاق، زندان یا مرگ نمی‌شود.

آقای رئیس،

از همان روزهای نخست اعتراضات، مقامات ارشد دولتی در ادامه رویه‌های خشونت‌آمیز همیشگی، به نیروهای امنیتی دستور داده‌اند که به هر قیمتی، حتی جان انسان‌ها، مردم را با خشونت سرکوب کنند. مقامات ایرانی در هیچ مقطعی تمایلی واقعی برای گفت و گو با معترضان نشان نداده‌اند.

هرکسی که در اعتراضات شرکت کرد، خیلی زود به عنوان «دشمنی که باید با آن مقابله کرد»، یا به عنوان «تروریست» یا «عامل خارجی که به دنبال بی ثبات کردن ایران است» شناخته شد. رئیس قوه قضائیه و رئیس جمهور هر دو بر لزوم واکنش «بدون اغماض» نسبت به معترضان تأکید کردند.

آقای رئیس،

ارقامی که ارائه شده است (گزارش حداقل ۳۰۰ مورد مرگ از جمله حداقل ۴۰ کودک و ۲۰ زن و دختر) خود گویای حقیقت است و نشان می‌دهد که این دستورالعمل‌های مرگبار به معنای واقعی کلمه رعایت شده‌اند، به ویژه در سیستان و بلوچستان و در مناطق کردنشین. مثل همیشه اقلیت‌های مذهبی و قومی تحت ستم، بیشترین هزینه را پرداخته‌اند.

تنها در هفت روز گذشته، تشدید سرکوب اعتراضات حداقل ۶۰ تا ۷۰ کشته از جمله پنج کودک به جا گذاشته است که بیشتر آنها از مناطق کردنشین بودند. وضعیت در شهرهای کردنشین پیرانشهر، جوانرود و مهاباد هشداردهنده است.

حتی کودکان و جوانان نیز در امان نبوده‌اند. هفته گذشته سه پسر نوجوان در جریان تظاهرات در شهر ایذه به ضرب گلوله کشته شدند. کیان، پسر ۱۰ ساله‌ای که خدای رنگین کمان را تصور کرده بود، آینده‌ای رنگارنگ برای بچه‌های ایران، یکی از آنان بود. حداقل چهار دختر ۱۶ و ۱۷ ساله تا حد مرگ مورد ضرب و شتم قرار گرفتند. نیروهای امنیتی و نیروهای لباس شخصی به دانشگاه‌ها و تجمعات دانشجویان یورش برده‌اند و با نقض قانون، با گاز اشک‌آور، گلوله‌های ساچمه‌ای و سلاح گرم به سوی دانشجویان شلیک کرده‌اند.

با بازداشت بیش از ۱۵۰۰۰ نفر از آغاز اعتراضات، اکنون زندان‌ها مملو از کسانی است که رویای آینده‌ای بهتر برای ایران را در سر می‌پروراندند و برای آن تلاش کرده‌اند.

از ۲۲ آبان، حداقل شش نفر به اعدام محکوم شده‌اند و حداقل ۲۱ نفر از جمله یک زن، پشت درهای بسته و در دادگاه‌های اجمالی به شدت ناعادلانه، توسط دادگاه‌های انقلاب اسلامی به جرایم مبهمی متهم شده‌اند که مجازات اعدام در پی دارد. این دادگاه‌ها که بیشتر احکام اعدام توسط آنها صادر می‌شود، دهه‌هاست که برای محکومیت فعالان سیاسی، روزنامه‌نگاران، وکلا و مدافعان حقوق بشر مورد استفاده قرار گرفته‌اند؛ محکومیت‌هایی بر اساس اعترافات اجباری که از طریق شکنجه و سایر اشکال زور و اجبار اخذ شده‌اند.

در ۱۵ آبان، ۲۲۷ نماینده مجلس شورای اسلامی، در طی حرکتی که نقض آشکار تفکیک قواست، از قوه قضائیه خواستند که فاطمانه برخورد کند و مجازات‌های سنگین از جمله مجازات‌های مستوجب اعدام صادر کند. به عنوان مکانیسم‌های ویژه شورای حقوق بشر، خواستار آن شدیم که مقامات ایرانی به استفاده از مجازات اعدام به عنوان ابزاری برای سرکوب اعتراضات پایان دهند و درخواست آزادی فوری همه معترضان مسالمت‌آمیز را تکرار کردیم.

آقای رئیس،

تمامی کسانی که از حقوق بشر و آزادی‌های اساسی دفاع می‌کنند - نه فقط در داخل ایران؛ حتی کسانی که از خارج ایران فعالیت می‌کنند - جان و امنیت خود را به خطر می‌اندازند. گزارش در مورد نقض حقوق بشر منجر به کمپین‌های تخریب، تهدید، نظارت، بازداشت و حبس خودسرانه، شکنجه و بدرفتاری در بازداشت، از جمله آزار جنسی می‌شود.

در طول دو ماه گذشته، شهادت‌های متعددی از بستگان قربانیان دریافت کرده‌ایم که گزارش‌های دلخراشی داده‌اند از اینکه چگونه مقامات از تحویل اجساد عزیزانشان امتناع کرده‌اند، تا زمانی که کتباً تعهد دهند که مراسم تشییع جنازه برگزار نکنند؛ و چگونه ظالمانه مجبور به دفن آنها در مکان‌هایی دورافتاده، اغلب در طول شب و در حضور ماموران اطلاعاتی شده‌اند.

در ۲۵ مهر، کمیته حقوق کودک نگرانی خود را نسبت به تحت فشار قرار دادن خانواده‌ها برای تبرئه نیروهای امنیتی با اعتراض‌های خلاف واقع و اعلام اینکه فرزندان آنها در نتیجه خودکشی جان باخته اند ابراز کرد. والدین تهدید شده‌اند که اگر این اظهارات غیرواقع را در تلویزیون دولتی بیان نکنند، فرزندان دیگرشان کشته می‌شوند یا آسیب خواهند دید.

ارعاب از مرزهای ایران فراتر می‌رود. کارکنان رسانه‌های بزرگ تهدید به مرگ شده‌اند. خانواده‌شان در ایران همچنان در معرض بازجویی، بازداشت خودسرانه، حبس و ممنوعیت سفر هستند.

آقای رئیس،

اجازه دهید اکنون به مصونیت نهادینه شده غالب در ایران نسبت به نقض جدی حقوق بشر بپردازم که مستلزم پاسخ قاطع جامعه بین‌المللی است.

در ۳۱ شهریور، همراه با هفت تن از گزارشگران و مکانیسم‌های ویژه، سرکوب مرگبار اعتراضات را محکوم کردم و از مقامات ایرانی خواستم تا درباره مرگ خانم امینی تحقیقات بی‌طرفانه و فوری انجام دهند، یافته‌های تحقیقات را علنی کنند و تمامی مرتکبین را بازخواست کنند.

اما دولت ایران به طور مداوم گزارش‌های غیرمستند ارائه و این اظهارات را تکرار کرده است که ژینا مهسا به دلیل خشونت و ضرب و شتم فوت نکرده است. در گزارش‌های دیگر، دولت کشتار کودکان توسط نیروهای امنیتی را رد می‌کند و ادعا می‌کند که آنان خودکشی کرده‌اند، از ارتفاع سقوط کرد اند، مسموم شده‌اند یا توسط «عوامل دشمن» ناشناس کشته شده‌اند.

این به اصطلاح تحقیقات نه تنها استانداردهای اساسی بی‌طرفی، استقلال و شفافیت مندرج در حقوق بین‌الملل را برآورده نمی‌کند، بلکه سند دیگری است از اینکه چطور سناریوهای غیرواقعی جعل می‌شوند تا بر جنایات سرپوش بگذارند و مصونیت مرتکبان از مجازات را تضمین کنند. علاوه بر این، این گزارش‌ها توهینی به حق خانواده‌ها بر حقیقت و عدالت هستند.

آقای رئیس،

گزارش من به شورای حقوق بشر در مارس ۲۰۲۲ اینگونه نتیجه‌گیری می‌کند که در ایران، هیچ‌گونه بازخواستی در قبال جنایات تحت قوانین بین‌المللی و سایر موارد نقض جدی حقوق بشر وجود ندارد، و هیچ چشم‌اندازی برای دستیابی به آن در سطح داخلی وجود ندارد.

در حالی که قوه قانون‌گذاری و اجرایی تمامی مسیرهای پاسخگویی را مسدود و نفی می‌کنند، قوه قضاییه به جای یک نهاد مستقل که قربانیان بتوانند به آن مراجعه کنند، به عنوان یک نهاد سرکوبگر عمل می‌کند. افرادی که در پی عدالت هستند به طور نظام‌مند در معرض ارعاب، زندان و سایر اقدامات تلافی‌جویانه قرار می‌گیرند.

نمونه‌های بارز عبارتند از: اعدام‌های مخفیانه و خودسرانه هزاران مخالف سیاسی واقعی یا گمان شده در سال ۱۳۶۷، استفاده غیرقانونی از قوه قهریه، از جمله سلاح کشنده در پی اعتراضات سراسری در سال‌های ۱۳۸۸، ۱۳۹۶ و ۱۳۹۸، و اسقاط پرواز خطوط هوایی اوکراین PS752 در سال ۱۳۹۸. هیچ یک از این رویدادها هرگز موضوع هیچ تحقیق مستقلی نبوده است، چه رسد به پیگرد و مجازات.

مصونیت ساختاری به رویه‌های گسترده قتل‌های غیرقانونی، ناپدید شدن اجباری، شکنجه و سایر موارد نقض جدی حقوق بشر در ایران دامن زده است.

با این پیش‌زمینه و سابقه است که می‌خواهم درخواست صادره از جانب گزارشگران و رویه‌های ویژه شورای حقوق بشر را تکرار کنم و از شورای حقوق بشر بخواهم که تعهدات خود را عملی کند، فریادهای دادخواهی قربانیان را بشنود، و یک ساز و کار مستقل تحقیقاتی بین‌المللی درباره وقایع منجر به درگذشت ژینا مهسا امینی و پس از آن تاسیس نماید. از شما سپاسگزارم.